

گفت‌وگوی جدید رابرت گیتس، وزیر دفاع پیشین امریکا با فارین افرز دارای نکتاتی قابل توجه درباره جنگ اوکراین و همچنین وضعیت کنونی خاورمیانه و آینده امریکا در آن است. گیتس هشدار می دهد اکنون امریکا با خطر ناک تر ین چشم انداز ژئوپلیتیکی دهه‌های اخیر دست‌په‌گر بیان است و ناکارآمدی ساختار سیاست دورنگه داشتن امریکا از خاورمیانه را که بیش از یک دهه قدمت دارد، زیر سؤال برده و آن را ناممکن می‌داند. خلاصه‌گفت‌وگو را بخوانید.

به نظر می‌رسد احتمال اختصاص بسته کمک اضافی به اوکراین از سوی امریکا به دلیل ناکار آمدی کنگره، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. به نظر شما، عدم تصویب این بسته، چه پیامدهایی برای جنگ در اوکراین و برای رهبری امریکا در جهان خواهد داشت؟

نکته جالب توجه این است که در واقع، عدم تصویب این بسته یا یک بسته مشابه نه تنها بر اوکراین تأثیر می‌گذارد، بلکه همچنین بر اسرائیل، بر کمک‌های انسانی و غزه و بر تایوان هم تأثیر می‌گذارد، بنابراین پیامدهای این ناکارآمدی بسیار فراگیر است، البته درباره جنگ روسیه و اوکراین، فکر می‌کنم این پیامد بسیار خطرناک‌تر باشد. ما در نقطه‌ای هستیم که اوکراینی‌ها در حالت دفاعی قرار گرفته‌اند. من این را الزاماً به عنوان یک بن‌بست در جنگ ارزیابی نمی‌کنم، زیرا روسیه در شرق بسیار تهاجمی است. آنها اکنون بیش از هر زمان دیگری در طول این جنگ، به تمرکز نیرو در شرق اوکراین دست زده‌اند، روسیه بر خوستاهای حداکتری خود پافشاری می‌کند. کسانی که با افراد درونی حلقه پوتین صحبت کرده‌اند، می‌گویند که او اصرار دارد اوکراین نه تنها این چهار منطقه در شرق کشور بلکه ساحل جنوبی تا اودسا را نیز واگذارد. همچنین تغییر حکومت در کی‌یف، جایگزینی یک حکومت طرفدار روسیه و تعهد اینکه اوکراین هرگز به اتحادیه اروپا یا ناتو نپیوندد، موارد دیگری است که پوتین خواستار آن است، پس این چشم‌اندازی است که کنگره در برابر ما قرار داده است.

یکی از انتقادات برخی مخالفان کمک‌ها این است که نه اوکراین و نه حمایتش در دولت بایدن، نظریه و چشم‌اندازی روشن برای پیروزی در جنگ اوکراین تعریف نکرده‌اند یا واقعا یک راهبرد معتبر ندارند.

استیو هدلی (Steve Hadley) مقاله‌ای را در روزنامه وال استریٹ ژورنال منتشر کرد که به نظرم یک راهبرد قانع‌کننده است.این راهبرد می‌پذیرد که احتمالاً این جنگ به یک آتش‌بس نخواهد رسید و اوکراینی‌ها هم قادر به دفع نیروهای روسی نخواهند بود اما در کل، از اوکراینی‌ها خواسته می‌شود با پر خورداری از منابع لازم، به یک راهبرد دفاعی در شرق کشور روی آورد تاطمینان حاصل شود که روس‌ها نمی‌توانند با نیروهایی که گردآورده‌اند،به پیشروی در این مناطق دست یابند، پس باید در دفاع از آنچه در اختیار دارند، تمرکز کنند و حمایت گسترده در زمینه تجهیزات نظامی، به آنها توانمندی بیشتری خواهد داد تا به اهداف نظامی روسیه حمله کنند، به ویژه در کریمه و همچنین در غرب روسیه که این نیروها را تدارک می‌یابد. همزمان می‌توان مسیر عضویت اوکراین در ناتو را مشخص کرد و از اوکراین خواست روی بازسازی صنایع دفاعی خود تمرکز کند، البته این یک راه‌حل برای مشکل کنونی نیست. هیچ راه‌حلی برای این مشکل به جز خروج روسیه از سرزمین‌های اوکراین وجود ندارد که این هم رخ نخواهد داد. با این همه، نکته جالب این است که بخشی از این جنگ که می‌تواند در سرراه‌های واقعی برای پوتین فراهم کند، تحمیل تلفات سنگین یا ویرانی قابل توجه در کریمه است که بسیار برای او تعیین‌کننده است، بنابراین فکر می‌کنم استیو هدلی و همکارش یک راهبرد بسیار خوب ارائه داده‌اند، اما همانند هر راهبرد معقول دیگر، تحقق این رویکرد به نیاز به کمک بیشتری دارد، به خصوص کمک نظامی بیشتر تا اوکراین بتواند در برابر پوتین سرپا بماند. اگر ما هیچ کاری انجام ندهیم، نیروهای روسیه در نهایت در شرق اوکراین پیشروی خواهند کرد. بدون کمک نظامی قابل توجه به اوکراینی‌ها، این یک نتیجه ناگزیر خواهد بود و پیامدهای بلندمدت گرانی برای اروپا- و برای اقتصاد جهانی - خواهد داشت.

یک مکتب فکری دیگر هم هست، به ویژه در بخش‌هایی از محافل سیاست خارجی جمهوری خواه، از جمله افراد نزدیک به رئیس جمهور سابق- و شاید آینده- ترامپ که ادعا می‌کنند اوکراین واقعا چشم‌پوشی برای اتحادیه‌سازان و تلاش برای چالش بزرگ‌تری است که امریکا در اقیانوس آرام با چین دارد.

طعنه ماجرا این استت که کسانی که این دیدگاه را مطرح می‌کنند، هم‌اکنون دارند هم در مخالفت با حمایت از تایوان و هم اوکراین رأی می‌دهند، پس کجای این کار سازگاری منطقی دارد؟ فکر می‌کنم مشکل این خط فکری این است که درهم پیوستگی مسائل مختلف جهان را نمی‌بینند و این چیزی است که بارها در گذشته هم شاهد آن بوده‌ایم. به عنوان مثال، پوتین بزرگ‌ترین بهره‌بردار بین‌المللی از حمله حماس به اسرائیل بود، زیرا مناقشه در خاورمیانه، توجه جهانی به جنگ اوکراین را دور کرد. شی جین‌پینگ هم به همچنین، زیرا به او در رابطه با ایران کمک می‌کند، اما همچنان توجه ایالات‌متحده را از شرق دور می‌کند، پس مشکل این است که نمی‌توانم باور کنم کسانی فکر کنند عدم ایستادگی ایالات‌متحده در کنار اوکراین باعث آسیب به اعتماد تایوان- به ایالات‌متحده نخواهد شد- و نیز به اعتماد سایر متحدان با اعتماد سابق آرام آسیب نخواهد زد. اگر ایالات‌متحده با متحدان ناتو در سد کردن راه این تهاجم در اروپا همکاری نکند، چرا کسی در آسیا اعتماد کند که ما برای تایوان خواهیم ایستاد، ناگامی در حمایت از اوکراین و سپس احتمال تسخیر اوکراین از سوی روسیه، که پسرکت گرانسنگ راهبردی خواهد بود و بسیار ساده‌انگانه است که فکر کنیم چنین پیامدی بر اندیشه‌های شی‌جین‌پینگ درباره آنچه ما تایوان انجام خواهیم داد، تأثیر نمی‌گذارد.

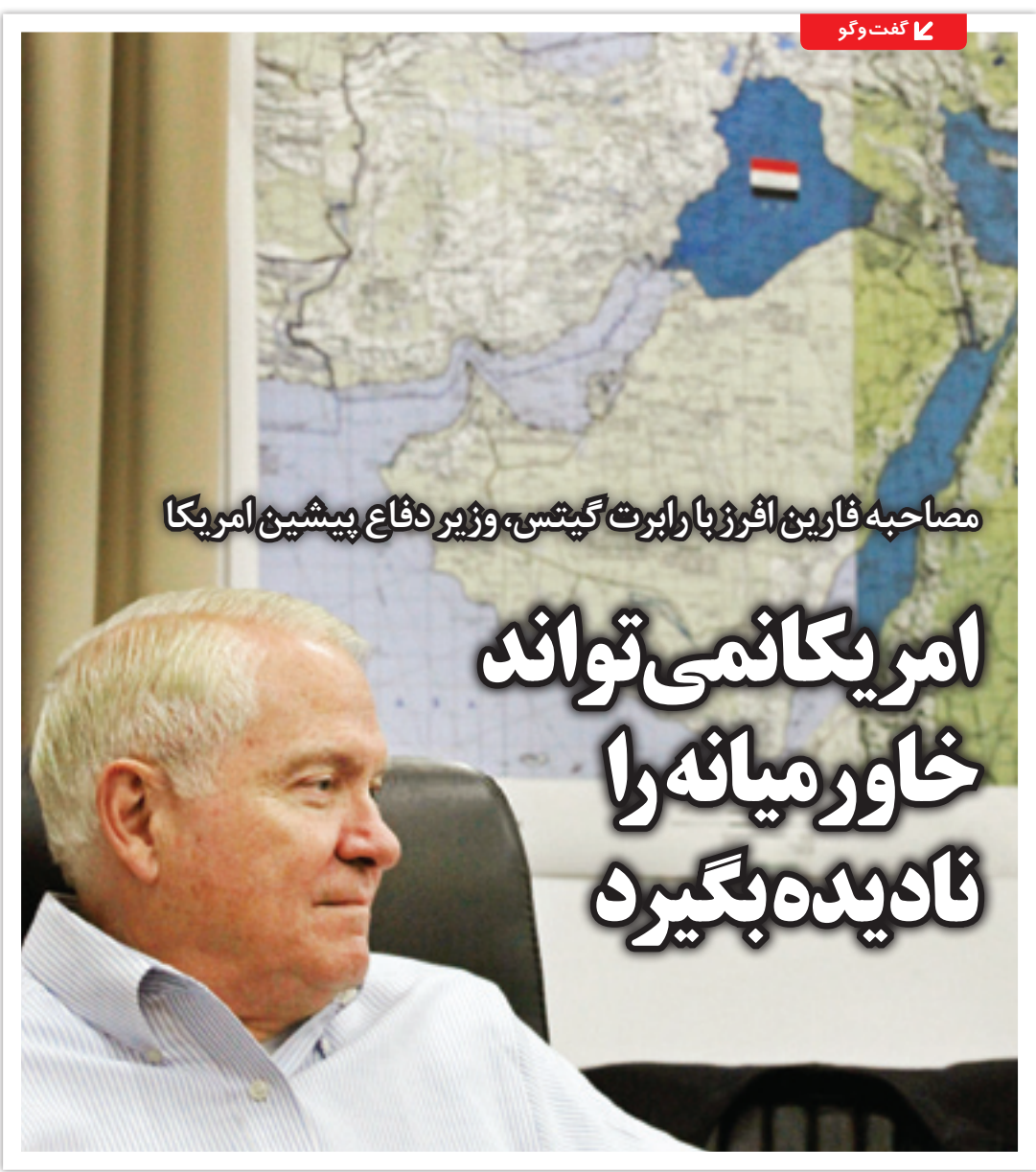
شما در مقاله اخیر تان به شی جین‌پینگ اشاره می‌کنید، از شباهت‌های نسبتاً نگران‌کننده با جنگ جهانی اول سخن می‌گویید. این تشبیهی نگران‌کننده است که بسیاری از تاریخ‌نگاران در نگاه به سپهر کنونی جهانی، از جمله رابطه امریکا و چین به آن اشاره کرده‌اند. زمانی که شما در مورد نوع اشتباهات سیاسی که ممکن است ما را به همین مسیر در بر خورود با چین بکشاند فکر می‌کنید، چه چیزهایی شما را نگران می‌کند؟

فکر می‌کنم بخش اصلی مشکل و چالش در این است که یک نیروی بازدارنده کافی در آسیا وجود داشته باشد که هزینه‌های تلاش چین برای حمله به تایوان را خیلی بالا ببرد؛ هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و غیره. همچنین بخشی از ناتوانی کنگره هم عدم تصویب لایحه اعتبارات دفاعی است. در ۱۴ سال گذشته، پنتاگون نتوانسته است در آغاز هر سال، اعتبار مصوب داشته باشد، این یعنی شانه خالی کردن کنگره از یکی از مسؤولیت‌های اصلی‌اش. با این تمهیدهای مکرر بودجه، نمی‌توان هیچ پروژه جدیدی را کلید زد، هیچ کار بیشتری انجام نمی‌شود. این همان چیزی است که چینی‌ها به این نگاه می‌کنند و آنها در این مسائل نگرش درازمدتی دارند. اگر ما می‌خواستیم به چینی‌ها نشان دهیم که مصمم هستیم از تسخیر نظامی تایوان از طرف آنها جلوگیری کنیم، باید وزیر دفاع بود، گفت: «اگر به عملا اقدام می‌کردیم، باید به کمک‌ها هم رأی می‌دادم.

آیا به هر نحو نگران نیستید وقتی پای ارسال یک سیگنال قوی به چین می‌رسد، ز یاد‌ه‌روی کنیم؟ جایی که شعارهای تندی می‌دهیم. آیا این ریسک ایجاد یک چرخه تشدد ید نیست، بی آنکه آمادگی واقعی برای واکنش در لحظه تحقق آن تشدید وجود داشته باشد؟

فکر می‌کنم دولت امریکا تا حد زیادی با ملاحظه رفتار کرده است تا دامی روابط با چین را پیمان بیاورد. صادقانه بگویم که به نظرم چنین‌ها جنگ با ما را نمی‌خواهند. آنها نمی‌خواهند جنگی در شرق دور رخ دهد. رویکرد کلی آنها یک رویکرد تاریخی است که به دیدگاه‌های سنان تزو Sun Tzu و امثال وی بازمی‌گردد که چگونه بدون جنگ پیروز شوند، بنابراین ما باید در این راستا فکر

گفت‌وگو



مصاحبه فارین افرز با رابرت گیتس، وزیر دفاع پیشین امریکا

امریکایی‌تواند خاورمیانه را نادیده‌بگیرد

کنیم، پس سیگنال‌های سیاسی که ما می‌فرستیم، مهم هستند اما فکر می‌کنم ما توان نظامی قابل ملاحظه‌ای در آنجا داریم. اگر نتوانیم در برخی زمینه‌ها به جلو حرکت کنیم، استسکام بخشیدن به قوام، گسترش و توزیع توان نیروی هوایی ایالات‌متحده در سراسر منطقه، اینها تدابیر هوشمندانه‌ای است که باید انجام شود. نیروی دریایی امریکا، سال به سال کوچک‌تر شده، زیرا کشتی‌های قدیمی‌تر از آن خدمت‌گزار کرده است اما سرعت روند ساخت کشتی نمی‌تواند افزایش پیدا کند.

به اتحاد چین و روسیه اشاره کرده‌اید. آیا این همگرایی را به عنوان یک ویژگی پایدار از منظر ژئوپلیتیک می‌بینید که ایالات‌متحده در سال‌ها دیده‌های آینده با آن روبرو خواهد شد؟ آیا راهی وجود دارد در آن همگرایی شکاف انداخته شود یا آن مدیریت کرد، همانطور که شما و همکاران تان در اواخر دوران جنگ سرد این کار را کردید؟

به نظرم این یک شراکت مستحی است، فکر نمی‌کنم اتحاد واقعی باشد. دیدن رفتار چینی‌ها بسیار جالب است. آنها فقط مقدار زیادی تجهیزات و فناوری دومنظوره به روسیه فرستاده، اما بسیار مراقب بوده‌اند تا پشت خطوط قرمز ی بمانند که ایالات‌متحده در زمینه ارائه سلاح‌ها و تجهیزات نظامی واقعی به روس‌ها تعیین کرده است. چینی‌ها عاشق خرید نفت و گاز تخفیفی هستند اما فکر می‌کنم گاهی اوقات شی جین‌پینگ ممکن است از خودش بپرسد: «آیا دارم آن بخش از کشور خودش را به یک دولت مشکل‌ساز گره زده است؟ هم اکنون نیز روس‌ها نگران نفوذ چین در آسیای مرکزی هستند که قبلاً بخشی از اتحاد جماهیر شوروی بود و حالا چینی‌ها با سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌های کمربند و جاده، نفوذ، تبلیغات و غیره در آن کشورها حضور دارند. پوتین باید بپرسد: «آیا دارم آن بخش از کشور را از دست می‌دهم؟» پس فکر می‌کنم این یک شراکت یا اتحاد مصلحتی است، همچنین به این معنی که آنها اهداف کملمی در تضعیف ایالات‌متحده، دور کردن توجه امریکا و وارونه کردن نظم جهانی مبتنی بر قانونی دارند که ایالات‌متحده پس از جنگ جهانی دوم برپا کرد.

شما چهار سال پیش مقاله‌ای برای «فارین افرز» درباره نظامی‌گری افراطی در سیاست خارجی امریکا نوشتید و این طبلی بود که از سال‌ها پیش تر آن را به صدا درمی‌آورد. به نظر می‌رسد هنوز هم در مسیر اشتباهی هستیم.



باور دارم ایده دور کردن توجه ایالات‌متحده از خاورمیانه همواره یک هدف گذراست، چون خاورمیانه از نظر تاریخی اهمیت دارد، نه فقط برای نفت و گاز، بلکه به دلیل موقعیتش، جغرافیا، جایگاهش، مسیرهای حمل‌ونقل برای بقیه جهان، جدایی از نقش اسرئیل در منطقه و آنچه در آینده اتفاق می‌افتد. من ناراحتی و خشم امریکایی‌ها را در مورد ۲۰سال جنگ می‌فهمم و اینکه چه دستاوردی داشته‌ایم؟ ناکامی در مقابله با بحران مالی جهانی در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و همچنین بسیاری از مشکلات و اشتباهاتی را که رخ داد درک می‌کنم، اما اینها اوضاع جهانی را که امروز در آن زندگی می‌کنیم، تغییر نمی‌دهند. ما نمی‌توانیم فقط عقب بنشینیم و انتظار داشته باشیم بقیه جهان راه را ادامه دهد و به این باور بپردازیم، همانطور که امریکایی‌ها دیرزمانی باور داشتند و رویدادهای مکان‌های دور، چه در سارا یوو، باشد، چه در افغانستان یا دیگر جاها، برای ما پیامدهایی خواهد داشت.

سرخ روی ترافیک تجاری. خواننده‌ام که در حمل‌ونقل جهانی، درآمدهای مصر از کانال سوئز در ماه ژانویه ۴۰ درصد کاهش یافته است که نشان می‌دهد چه تعداد کشتی از این منطقه دوری می‌کنند. هنوز باید ببینیم این وضعیت چه تأثیری بر زنجیره تأمین جهانی می‌گذارد و فکر می‌کنم ما اساساً با ردن سایات‌های حوثی‌ها، در حال بازی بی‌حاصلی هستیم. منازعه فعال سوم در محدوده‌های مرزی اسرائیل است. اسرائیلی‌ها تا چه زمانی وضعیت کنونی را تحمل خواهند کرد؟ آنها ۸۰هزار نفر را از بخش شمالی اسرائیل تخلیه کرده‌اند. اقتصاد در آنجا متوقف شده و بیشتر آن افراد در هتل‌ها ساکن هستند. چهارمین میدان هم، قطعاً حملات شبه‌نظامیان در سوریه و عراق علیه نیروهای امریکایی در سوریه، اردن و در عراق است، پس شما در واقع چهار منازعه هم‌زمان دارید. برخی دوست دارند آنها همچنان مجزا هستند و به ایران بازمی‌گردند. عبارتی که در دوران ریاست جمهوری ریگان اغلب به کار برده می‌شد، «شما باید سراغ سرچشمه بروید». بود، خوب، سرچشمه همه اینها، ایران، استت و من فکر می‌کنم درک دولت [ایدن] از اینکه مردم امریکایی خواهند جنگ دیگری در خاورمیانه داشته باشند و نمی‌خواهند با ایران وارد جنگ شوند، درست است، اما چگونه می‌توان ایرانی‌ها را از پیگیری نقشی که در هر چهار درگیری دارند، متوقف کرد؟ من فکر می‌کنم این یک چالش بزرگ است. بخشی از این چالش به سوآلی بازمی‌گردد که در پاسخ آن درباره هر شی جین‌پینگ و دیگران صحبت کردیم، اینکه آیا سیاست امریکایی سال‌های گذشته اساساً تأثیر بازدارنده رویکرد و قدرت امریکا را کم‌رنگ یا ضعیف کرده است؟ بدون شک، به نظر می‌آید کسی از ما نمی‌ترسد.

بگذارید یک سؤال دیگر در مورد خاورمیانه پیرسم، با بازگشت به اولین میدان از چهار عرصه دیگری که قبلاً اشاره کردید و آن جنگ در غزه است. آیا راهبرد اسرائیل، احتمال موفقیت دارد؟ آیا چشم‌اندازی برای پیروزی و نابودی حماس می‌بینید که به نظر شما قابل اجرا باشد یا فکر می‌کنید نیاز به ایجاد تغییری از سوی اسرائیل و ایالات‌متحده هست تا آمیدی برای تحقق آن وجود داشته باشد؟

من فکر می‌کنم هدف آن کاملاً قابل فهم است، یعنی نابود کردن حماس و قابلیت‌های نظامی آن و پاس‌خگو کردن- به معنای کشتن- رهبرانی که عملات ۱۷کتبر را برنامه‌ریزی کردند. مشکل این استت که پس از چند ماه از حملات نظامی تمام‌عیار بر اساس آنچه خوانده‌ام، آنها شاید یک‌سوم نیروهای حماس را کشته باشند. همچنین جامعه اسرائیل به شدت با حمله ۱۷کتبر، آسیب روانی دیده است. این کشور تأسیس شد تا مکانی را برای یهودیان فراهم کند که دیگر هرگز تجربه هولوکاست یا شبیه آن تکرار نشود. حال اتفاقی که در ۱۷کتبر رخ داد، ترکیبی از هولوکاست محلی و کشتار جمعی بود، با آن همه افراد بی‌گناه. در همه جنگ‌هایی که اسرائیل داشته، در چهار جنگ، هیچ‌گاه چیزی شبیه آنچه در هفته اول اکتبر رخ داد، تجربه نکرده، بنابراین صدمه روانی در اسرائیل قابل فهم است و من فکر می‌کنم آنها به سرعت و با توجه به شرایط، واکنش سریعی نشان دادند اما در ادامه راهبرد خود را شکل می‌دهند. همچنین یکی از عواقب آن واکنش سریع، به‌کارگیری رویکردهای نظامی شدیدی بود که به چیزی منجر شد که اکنون همه موافقتد یک فاجعه انسانی بسیار جدی در غزه است. من مسیری اسرائیلی برای نابودی کامل حماس نمی‌بینم. فکر می‌کنم اسرائیل در مورد اینکه در آینده چه باید بکند، اندیشه نکرده است.

آیا نگران هستید که ایالات‌متحده دوباره در مشکلات خاورمیانه گرفتار شده و از روسیه و چین و چالش‌های دیگر بلندمدت دور شود؟ این چهارمین دولت از زمان جورج دبلیو بوش است که ایالات‌متحده تلاش می‌کند بر جایی دیگر تمرکز کند و اغلب در این تلاش شکست می‌خورد.

باور دارم که ایده دور کردن توجه ایالات‌متحده از خاورمیانه همواره یک هدف گذرا بوده است. خاورمیانه از نظر تاریخی اهمیت دارد، نه فقط برای نفت و گاز، بلکه به دلیل موقعیتش، جغرافیا، جایگاهش، مسیرهای حمل‌ونقل برای بقیه جهان، جدای از نقش اسرائیل در منطقه و آنچه در آینده اتفاق می‌افتد. من ناراحتی و خشم امریکایی‌ها را در مورد ۲۰سال جنگ می‌فهمم و اینکه چه دستاوردی داشته‌ایم؟ ناکامی در مقابله با بحران مالی جهانی در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و همچنین بسیاری از مشکلات و اشتباهاتی را که رخ داد درک می‌کنم، اما اینها اوضاع جهانی را که امروز در آن زندگی می‌کنیم، تغییر نمی‌دهند. ما نمی‌توانیم فقط عقب بنشینیم و انتظار داشته باشیم بقیه جهان راه را ادامه دهد و به این باور بپردازیم، همانطور که امریکایی‌ها دیرزمانی باور داشتند و رویدادهای مکان‌های دور، چه در سارا یوو، باشد، چه در افغانستان یا دیگر جاها، برای ما پیامدهایی خواهد داشت.

ترجمه: معاونت مطبوعاتی

چالش

جنگ بی‌تفوق اوکراین

به‌رغم ارسال و استفاده از ده‌هامیلیارد دلار تسلیحات غربی برای ارتش اوکراین بیش از ۹۰درصد اهداف ضدحمله آن محقق نشده است

■ دکتر سیدرضا میرطاهر

در آغاز سومین سال جنگ روسیه و اوکراین که در ۲۲فوریه ۲۰۲۲(پنجم اسفند ۱۴۰۰) شروع شد، شواهد حاکی از تداوم ناکامی‌های ارتش اوکراین در مقابله با نیروهای روسی و عقب‌نشینی آنهاست. ارتش اوکراین اواخر بهمن اعلام کرد نیروهای خود را از «اودیوکا» یک شهر کوچک اما مهم در شرق این کشور خارج کرده است؛ شهری که برای ماه‌ها از چند جهت تحت محاصره نیروهای روسیه بود. اودیوکا- که دروازه ورودی منطقه دونتسک است- ماه‌ها صحنه نبردهای بسیار شدید بوده و تقریباً به طور کامل ویران شده است. این شهر کوچک در واقع از ۲۰۱۴ که شبه‌نظامیان مورد حمایت روسیه بخش‌های بزرگی از دو استان دونتسک و لوهانسک را گرفتند، صحنه نبرد بوده است. سقوط اودیوکا بزرگ‌ترین تغییر در بیش از هزار کیلومتر خط مقدم جنگ از زمانی است که نیروهای روسیه شهر باخومت در آن اطراف را در ۲۰۲۳ اشغال کردند. ژنرال الکساندر سیرسکی، فرمانده نیروهای مسلح اوکراین با اشاره به فرمان عقب‌نشینی به نظامیان اوکراینی در بیانیه‌ای در فیس بوک گفت که تصمیم او بر «وضعیت عملیاتی در اطراف اودیوکا» متکی است. او که چندی قبل به سمت فرماندهی نیروهای مسلح اوکراین منصوب شد، گفت که نیروهای اوکراینی «در حال اتخاذ تدابیری برای تثبیت وضعیت و حفظ مواضع خود هستند».

جان کری، سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا پیش‌تر گفته بود خطر سقوط اودیوکا جدی است، آن هم عمدتاً به این دلیل که «همه‌ات توپخانه نیروهای اوکراینی در کارزار نبرد رو به اتمام است.» او گفت: «روسیه موجی از نیروهای نظامی را یکی پس از دیگری برای حمله به مواضع اوکراین اعزام می‌کند و از آنجا که کنگره هنوز لایحه تکمیلی را تصویب نکرده، ما نتوانسته‌ایم گلوله‌های توپخانه را که اوکراین به شدت به آنها نیاز دارد در اختیار این کشور قرار دهیم تا حملات روسیه را دفع کند.»

■ روند جنگ اوکراین

به نظر می‌رسد وضعیت کنونی جبهه‌های جنگ اوکراین به ویژه عقب‌نشینی نیروهای اوکراینی از شهر استراتژیک اودیوکا نشانگر روند کلی این جنگ و چشم‌انداز آن است. در واقع سومین سال جنگ اوکراین در حالی فرارسیده است که چشم‌اندازی برای پایان آن وجود ندارد و تداوم درگیری‌ها به خصوص پس از آغاز ضدحملات اوکراین موجب افزایش قابل توجه تلفات انسانی و تجهیزاتی او طرف جنگ یعنی روسیه و اوکراین شده است. از سوی دیگر جنگ طولانی روسیه و اوکراین اکنون با توجه به تحولات اساسی دیگری مانند جنگ غزه و التهاب شدید در غرب آسیا، یک سو و فقدان منابع نظامی در کشورهای حامی



کی‌یف از سوی دیگر، عملاً از اولویت کشورهای اروپایی و تا حدی امریکا خارج شده است. این مسئله انتقاد شدید مقامات اوکراینی را به دنبال داشته است، به خصوص که آنها به خوبی می‌دانند بدون تداوم حمایت‌های همه‌جانبه و گسترده غرب قادر به پایداری حتی کوتاه‌مدت در مقابل روسیه نیستند. هر چند دولت بایدن خواهان تداوم کمک‌های ده‌هامیلیاردی امریکا به اوکراین در راستای ضدیت با روسیه و تلاش برای تضعیف مسکو است، اما اکنون این تلاش‌ها با موانع جدی در کنگره امریکا از سوی جمهوری خواهان مواجه شده است. سنای امریکا چند هفته قبل یک بسته کمک خارجی ۹۵میلیارد دلاری (از جمله ۶۰میلیارد دلار برای اوکراین) را پس از ماه‌ها کم‌تکشد سیاسی تصویب کرد، اما این طرح در مجلس نمایندگان که دارای اکثریت جمهوری خواه است، با موانع جدی روبرو بوده و با مخالفت جدی آنها مواجه شده

است. قانونگذاران دموکرات امریکایی شکرکت کنندند در کنفرانس امنیتی مونیخ هشدار دادند به دلیل نپای‌نشدن کمک حدود ۶۰میلیارد دلاری در خواستی «جواب‌بدن» رئیس‌جمهور امریکا برای کی‌یف که اخیراً از سوی مجلس سنا تصویب شد- اما در مجلس نمایندگان امریکا معطل مانده- سایه شکست و ناامیدی بر سر سربازان اوکراینی سنگینی می‌کند. اوکراین به شدت به تأمین تسلیحات از سوی ایالات‌متحده و دیگر متحدان غربی وابسته است تا بتواند به جنگ با روسیه که یک نیروی نظامی بسیار بزرگ‌تر و مجهز به مهمات فراوان توپخانه است، ادامه دهد. این سوی دیگر به‌رغم تأکیدهای دولت‌های اروپایی در زمینه حمایت نظامی و تسلیحاتی از اوکراین به منظور شکست روسیه، به نظر می‌رسد افکار عمومی اروپا نظری دیگر دارند؛ یک نظرسنجی در همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا نشان می‌دهد شمار قابل توجهی از مردم این کشورها «مصلحانه» را به عنوان محتمل‌ترین سناریو برای پایان جنگ اوکراین می‌دانند. با وجود اینکه حمایت از کی‌یف در میان اروپایی‌ها همچنان گسترده است اما در سومین سال جنگ اوکراین، صرفاً ۱۰درصد از اروپایی‌ها معتقدند اوکراین می‌تواند روسیه را شکست دهد. این نظرسنجی پیش از سقوط شهر «اودیوکا» که پیروزی چشمگیری برای روسیه تلقی می‌شود، انجام شده است. طبق همین نظرسنجی، اگر کمک‌های واشینگتن به کی‌یف در صورت روی کار آمدن مجدد دونالد ترامپ متوقف شود، ۴۱درصد از اروپایی‌ها گفتند اتحادیه اروپا باید با کمک‌ها افزایش دهد یا آنها را در همین سطح نگه دارد، در حالی که ۳۲درصد ترجیح می‌دهند این اتحادیه مسیر امریکا را در پیش گیرد.

■ فریب خوردن کی‌یف

دولت غرب گرای کی‌یف از ابتدا با توجه به تحریک‌ها و تشویق‌های غرب، رویکرد دشمنی با روسیه اتخاذ کرد و گام‌هایی برای عضویت در ناتو و نیز اتحادیه اروپا برداشت که البته با واکنش تند مسکو مواجه و در نهایت به جنگ کنونی منجر شد. به‌رغم آمیدهای بسیار به اینکه ارسال و استفاده از ده‌هامیلیارد دلار انواع تسلیحات غربی برای ارتش اوکراین موجب پیروزی آن در ضد حملات و بازپس‌گیری اراضی اشغالی اوکراین خواهد شد، می‌توان گفت که بیش از ۹۰درصد اهداف این ضدحمله‌ها محقق نشده است، بنابراین شرکای غربی اوکراین به این جمع‌بندی رسیده‌اند که پیروزی اوکراین در مقابل روسیه در جنگ خوین کتونی بسیار بعید به نظر می‌رسد. ژنرال مارک میلی، رئیس وقت ستاد مشترک نیروهای مسلح امریکا در اواسط سپتامبر ۲۰۲۳ گفت که پیروزی اوکراین در جنگ با روسیه «بسیار سخت و هدف بزرگی» است و به «زمان زیادی» نیاز دارد. روسیه نیز ضمن تأکید بر بی‌نتیجه‌ماندن ضد حملات اوکراین، اعلام کرده است نیروهای اوکراینی متحمل تلفات انسانی و خسارات تجهیزاتی عظیمی شده‌اند.

به‌رغم این واقعیات اما امریکا و ناتو همچنان خواهان تداوم جنگ خوین اوکراین هستند. مقامات ارشد امریکایی و ناتو بر این گمان هستند که پیروزی روسیه در جنگ اوکراین آن هم در مجاورت ناتو به معنای بی‌اعتباری این سازمان نظامی و گسترش هر چه بیشتر نفوذ و قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه خواهد شد و معادلات امنیتی، نظامی و سیاسی را در اروپا به ضرر غرب تغییر خواهد داد، بنابراین هر اقدامی که مانع تحقق این سناریو شود، از جمله ارسال انواع تسلیحات مؤثر و دوربرد مانند موشک‌های میجراس، آتاکمز و موشک‌های گروز استورم شادو و نیز انواع تجهیزات رزمی سنگین و نیمه‌سنگین در دستور کار امریکا و شرکای آن در ناتو قرار دارد.

اقدامات غربی‌ها در راستای تسلیح هر چه بیشتر اوکراین، صرفاً موجب طولانی‌تر شدن جنگ روسیه و اوکراین بدون حصول نتیجه‌ای به نفع اوکراین و نیز بی‌توجهی دولت کی‌یف به طرح‌های صلح شده است، ضمن اینکه روسیه با توجه به اینکه قدرت اقتصادی، نظامی و صنعتی آن به مراتب بیشتر از اوکراین است، می‌تواند به این جنگ برای مدتی طولانی ادامه دهد، در حالی که اوکراین بدون کمک‌های بسیار گسترده اقتصادی و نظامی غرب نمی‌تواند حتی چند ماه در مقابل روسیه مقاومت کند.